

چالش‌های فرهنگی - اجتماعی ترجمه معکوس با توجه ویژه به متون اسلامی با استناد به ترجمه آلمانی تعالیم اسلام اثر علامه سیدمحمدحسین طباطبایی و داستان‌هایی از زندگانی چهارده معصوم اثر مهدی آذر یزدی

ابراهیم استارمی*

استادیار زبان آلمانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ایران

فاطمه طاهری**

کارشناس ارشد آموزش زبان آلمانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۷، تاریخ تصویب: ۹۱/۵/۱۵)

چکیده

همگام با رشد تبدلات اجتماعی، فرهنگی و مذهبی در سراسر جهان در عصر حاضر، ترجمه متون اسلامی به زبان آلمانی نیز در ایران نیز فزونی یافت. آنچه در این میان، مترجمان را گرفتار چالش‌ها و دشواری‌های گاه حل‌نشده قرار می‌دهد، حساسیت ویژه‌ای است که او را و می‌دارد ترجمه متون اسلامی را با در نظر گرفتن قالب و محتوا درست و با ظرافت به مخاطب انتقال دهد؛ زیرا اشتباه در ترجمه این متون، سهل‌انگاری و عدم احساس مسئولیت او را به مفاهیم دینی به ذهن متبادر می‌کند. این پژوهش می‌کوشد تا با تبیین اهمیت برگردان منطبق با اصل متون اسلامی به زبان آلمانی، مشکلات کلی ترجمه را نخست به‌طور نظری و تحقیق کتابخانه‌ای به منظور جمع‌آوری اطلاعات کافی از منابع موجود بررسی کرده و سپس با توجه ویژه به ترجمه متون اسلامی از فارسی به آلمانی به بررسی ترجمه کتاب «تعالیم اسلام» اثر علامه طباطبایی و «داستان‌هایی از زندگانی چهارده معصوم» اثر مهدی آذر یزدی پرداخته شود. این دو اثر به دلیل فراوانی واژگان اسلامی، نویسندگان برجسته اسلامی و ترجمه این آثار توسط هلا کمالیان از مشهورترین مترجمان متون اسلامی در ایران انتخاب شده‌اند. از ترجمه این دو اثر چنین استنباط می‌شود که ریشه اصلی مشکلات ترجمه متون اسلامی در کنار مشکلات فرهنگی و زبانی، عدم جستجوی ریشه‌ای واژگان در ادیان اسلام و مسیحیت است. این جستار به دنبال ارائه پیشنهادها و راهکارهایی برای چگونگی ترجمه متون اسلامی برای مخاطب آلمانی زبان است.

واژه‌های کلیدی: معادل یابی، ترجمه متون اسلامی، قالب، محتوا، چندمعنایی.

* تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۴۴۸، دورنگار: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۴۴۸، E-mail: estarami@yahoo.de

** تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۴۴۸، دورنگار: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۴۴۸، E-mail: fatemeh_ta86@yahoo.com

مقدمه

مقاله حاضر، مشکلات ترجمه متون اسلامی از فارسی به زبان آلمانی را واکاوی می‌کند. چنانچه می‌دانیم، ارائه ترجمه‌ای دقیق از متون اسلامی، که هم قالب و هم محتوا را به زبان مقصد انتقال دهد، زمینه‌ساز تبادلات میان‌مذهبی و در نتیجه، فهم صحیح از دین اسلام به ویژه در کشورهای غربی خواهد بود. امروز در جهانی که ملت‌ها ناگزیر به برقراری ارتباط با یکدیگرند، انتقال فرهنگ‌ها، شاهراهی برای حل معضلات به نظر می‌رسد. شکی نیست که در ایجاد آرامش، ثبات و صلح جهانی، فهم و مدارای ملت‌ها در قبال یکدیگر، نقش اساسی داشته و در حیطه فرهنگ و دانش، مسئولیت شناختن و شناساندن شایسته فرهنگ اسلامی، بر عهده روشنفکران و دانشگاهیان است. از این منظر، ترجمه صحیح متون اسلامی را می‌توان در جهت اصلاح پیش‌داوری‌های سطحی یا نادرست، رفع خصومت‌های میان‌فرهنگی و در نتیجه نزدیکی ملل به کار برد. علی‌رغم اهمیت بالای این مطلب، پیشینه تحقیقاتی وسیعی حول این موضوع، در کشور ما دیده نمی‌شود. محمدحسین حدادی و فرح نازنجی در مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی ترجمه آلمانی قرآن متعلق به فرقه قادیانیه با استناد به سوره حمد» در سال ۲۰۰۹ و امیرحسین درگاهی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود (۲۰۰۹) با موضوع «فقه اسلامی، اصطلاحات در زبان آلمانی و فارسی»^۱، تا حدی به این موضوعات پرداخته‌اند. اکثر پژوهش‌های موجود در این زمینه، بر ترجمه قرآن کریم و خصوصیات آن پرداخته‌اند و به مشکلات ترجمه متون اسلامی و راهکارهای آن اشاره مستقیم نشده است.

نگاهی به ترجمه‌های منتشرشده فارسی - آلمانی با مضامین دینی نشان می‌دهد که مشکلات ترجمه این متون، به دلیل وجود تمایزات زبانی، فرهنگی، اجتماعی و دینی، در مقایسه با دیگر متون، به مراتب گسترده‌تر است. از این رو مترجم، گاه با واژه‌ها و مضامینی روبروست که به دلیل عدم وجود معادل یک به یک برای آن‌ها، ترجمه‌پذیری‌شان به طور اساسی ناممکن جلوه می‌کند. این دشواری‌ها، اغلب از عدم توجه به شکاف‌های عمیق فرهنگی و اختلاف در جهان‌بینی ملت‌ها نشأت می‌گیرد که نتیجه آن نیز ترجمه‌هایی حاوی عبارات نامفهوم، مبهم یا مغایر با متن مبدأ خواهد بود. گرچه در شبکه جهانی دین مسیحیت، روز به روز آثار بیش‌تری ترجمه و وارد فضای ارتباطی می‌گردد، اما در پژوهش‌های رشته‌ای به این تولیدات توجه کافی نمی‌شود. از سؤالات مهم این تحقیق این است که یک مترجم امین قبل از

1- "Islamische Rechtslehre, Terminologie im Deutschen und Persischen"

ترجمه متون اسلامی باید به چه موارد مهمی توجه کند تا محتوای متون دینی تا حد ممکن محفوظ مانده و پیام متن به خواننده زبان مقصد به درستی انتقال یابد. آیا می‌شود راهکارهایی ارائه داد که ترجمه متون اسلامی را تسهیل کند، به طوری که محتوای متن حفظ شود. برای پرکردن چنین خلاءهایی در علم ترجمه، توجه ریشه‌ای به شاخصه‌های فرهنگی، دینی و زبانی هر متن، اهمیت ویژه‌ای دارد. از این روست که در ترجمه یک متن مذهبی از فارسی به آلمانی، آشنایی و حتی تسلط به زبان عربی، کمک بزرگی به کشف ریشه‌های لغات از جمله روشن کردن کلمات چند معنایی می‌کند. این مقاله پس از بیان پایه‌های نظری در چیستی و اهمیت موضوع ترجمه، با تشریح ویژگی‌ها و ساختار متون مذهبی - اسلامی (با رویکرد ترجمه فارسی به آلمانی) و هم‌چنین تاریخچه مختصری از این نوع ترجمه در ایران، راه‌حل‌های عملی مناسبی را با مثال‌های متعدد در زمینه ترجمه متون اسلامی ارائه می‌دهد. به گونه‌ای که نتایج به دست آمده از این تحقیق می‌تواند در دانشگاه‌ها و دیگر مراکز آموزشی در تدریس ترجمه متون اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

مشکلات عمومی ترجمه

کریستین نورد، (Christian Nord) نظریه‌پرداز کاربردگرا، تحلیل و بررسی متن مبدأ را اصلی‌ترین جزء فرایند ترجمه می‌داند، بدین معنی که ویژگی‌های آن را باید با ساختارهای نظام زبان مقصد، و اطلاعات متن را با پیش‌زمینه ذهن مخاطب تطبیق داد. به طور مثال طبیعی است که مترجم، بدون خدشه آوردن به محتوا، برخی اظهارات حاشیه‌ای را از یک مصاحبه مطبوعاتی حذف و یا تکمله‌هایی را به یک سفرنامه اضافه کند (نورد ۱۰۱، به نقل از: شتولسه ۲۰۰۱: ۲۱۳ و ۲۳۴).

تجربه نشان داده است که تسلط کامل فرد به دو زبان، گویای توانایی وی برای ترجمه نیست، چه ترجمه نیز، همانند هر مهارت دیگری، آموختنی، تجربی و تمرینی بوده و بایستگی این فراگیری، به اندازه خطر گرفتار آمدن در دام تداخل میان‌زبانی (Interferenz) جدی است. البته تسلط همه‌جانبه زبان‌آموزان به زبان مادری خود و زبان مقصد، به موفقیت آنان در ترجمه هم کمک خواهد کرد (حدادی ۸۹). علم زبان‌شناسی نیز به تنهایی قادر به حل مسائل مربوط به روند ترجمه نیست. در تاریخ علوم انسانی، ترجمه‌پذیری متون گوناگون بارها مورد بحث قرار گرفته است. برخی دانشمندان چون دمان (De Man) و دریدا (Derrida)، ترجمه را عملی ناممکن می‌دانند، چرا که هر واژه، بنا به جایگاهش در متن، به تنهایی هیچ تفسیری از خود

بروز نمی‌دهد، بنابراین مترجم برای انتخاب میان آزادی ترجمه و وفاداری به متن، همواره در تردید به سر می‌برد (شتولسه ۲۰۰۱: ۳۸). اما دیگرانی نیز باور دارند، سخنانی که به یک زبان گفته شود، به علت یکسانی اصل مفاهیم در جهان، به زبان‌های دیگر نیز قابل برگردان است و البته در صورت عدم وجود ذخایر معادل در یک زبان، امکان تولید معادل‌های نو و اغنای آن وجود دارد. بر اساس کتاب *مقدمه‌ای بر ترجمه‌شناسی* اثر کولر، در مجموع پنج نوع معادل در ترجمه وجود دارد که با توجه به ترجمه فارسی به آلمانی به طور خلاصه عبارتند از:

معادل یک به یک؛	فارسی: نان	آلمانی: Brot
معادل یک به چند؛	آلمانی: das Gebet	فارسی: نماز - دعا
معادل چند به یک؛	فارسی: عمه - خاله	آلمانی: die Tante
معادل یک به صفر؛	فارسی: استخاره	آلمانی: (-)
معادل یک به جزء؛	آلمانی: der Geist	فارسی: خرد+روح+جان+عقل...

اگر در حالت دوم و سوم، برداشت مفهومی کلمه، از معنایش در جمله قابل تشخیص نباشد، این مشکل ترجمه، یک جای خالی را در جمله ایجاد می‌کند، اما در نهایت با انتخاب یکی از چند معادل موجود، به راحتی می‌توان جای خالی را پر کرد. در صورتی که در حالت دشوار چهار، هیچ معادلی در نظام زبانی مقصد برای پرکردن جای خالی موجود نیست. این حالت وقتی پیش می‌آید که واژه فقط مخصوص شرایط محیط مبدأ باشد و یا هنگامی که اختراع جدیدی در علم صورت می‌گیرد و افراد در محیط خارجی، عبارت تازه را پذیرفته و آن را همانند واژه «ایترنت» به ریخت واژه مبدأ به کار می‌برند. با توجه به سیل ورود واژگان بیگانه به نظام زبانی، سستی اهل فن در افزایش ظرفیت کلمات و خلق عبارات درون‌زبانی، می‌تواند در درازمدت آسیب‌های جدی به پیکره زبان وارد آورد. زمانی که مترجم، برای عبارتی در زبان الف، هیچ معادلی در زبان ب نمی‌یابد، چهار راه برای رفع این کمبود پیش رو دارد:

۱- وام واژه (Direktentlehnung) یعنی پذیرفتن مستقیم و بدون تغییر واژه مبدأ در زبان

مقصد

عربی: الجهاد آلمانی: Djihád

از دیدگاه شمیت-کونینگ (Schmidt-König)، چون خواننده متن ترجمه، زبان مبدأ را نمی‌شناسد، این راه حل در صورتی که دو زبان، هم‌خانواده (Etymologische Verwandschaft) نباشند، برای جلوگیری از بروز نامفهومی، توضیح مختصری نیز می‌طلبد (بدیعی ۳۷).

۲- گرت‌برداری (Lehnübersetzung)، یعنی ترجمه واج به واج عبارت اصلی، آن چنان که ترجمه، تداعی‌گر ساختواژه مبدأ است:

آلمانی: Untergruppe
فارسی: زیر گروه
آلمانی: Kurzgeschichte
داستان کوتاه

۳- انتخاب واژه‌ای که گرچه صددرصد برابر واژه مبدأ نیست، اما به‌عنوان نزدیک‌ترین معادل برای آن، قابل قبول است.

فارسی: شهرداری
آلمانی: Rathaus
تجزیه
Passionsspiel

۴- ارائه یک گروه‌واژه (Wortgruppe) یا توضیحی مختصر (چه در متن و چه در پاورقی)^۱ برای واژه مبدأ

فارسی: پیغمبران اولوالعزم
آلمانی: Fünf hochrangige Propheten mit eigenständiger Offenbarung

چنانچه گفته شد، در حالتی که در زبان مقصد معادلی برای واژه مبدأ یافت نشود، از مخاطب انتظار می‌رود تا دست مترجم را برای شرح واژگان فنی باز بگذارد.

یکی از ویژگی‌های زبان که در ترجمه، ایجاد مشکل می‌کند، دو یا چندپهلویی عبارات (Mehrdeutigkeit) است، بدین معنی که از واژه یا عبارت ثابتی، معانی متفاوتی قابل برداشت باشد. برخورد سطحی مترجم با این کلمات یا کاربرد غیردقیق و قابل تفسیر آن‌ها در متن، مانع بزرگی در فهم مطلب به شمار می‌رود. البته در متون سرشار از کنایه و استعارات شعری و ادبی، کاربرد عمدی کلمات دوپهلوی نه تنها ضعف نوشته را نمی‌رساند بلکه از طریق همین چندمعنایی است که نویسنده می‌خواهد خواننده را به فکر وادارد و هنر ایهام و لفافه‌گویی خود را به نمایش بگذارد.

بیشتر مشکلات ترجمه، نه بخاطر کمبود یا تفاوت ساختارهای زبانی مبدأ و مقصد، بلکه به دلایل فرهنگی - اجتماعی اند (لوزه‌برینک ۱۰). فریدریش شلایرماخر (Friedrich Schleiermacher)، یکی از صاحب‌نظران دیدگاه فلسفی - علوم انسانی در ترجمه، معتقد است

۱- این راهکار به دو ریخت درون متنی و پانوشتی انجام پذیرست. از آنجاکه متن‌های خاوری، واژگان ویژه‌ای در زمینه عرفان، فقه، آیینی و ... دارند که بدون شرح نامفهوم‌اند، مترجمان برای گریز از اطناب متن، شرح را در پانوشت می‌نویسند. نیز گاهی، برخی، شرح واژگان خاص و دشوار را در پایان کتاب با عنوان فرهنگ واژگان و اصطلاحات نقل می‌کنند. «نویسنده»

مترجم تنها در صورتی قادر به ارائه ترجمه‌ای معادل است که به طور فشرده به تاریخ مردمان آن سرزمین و آثار نویسندگان بیگانه بپردازد. البته اطلاعات عمومی و پیش‌آگاهی در هر رشته نیز برای مترجم فعال در آن رشته، همانند پلی برای این ارتباط ضروری‌ست. در متون غیرتخصصی، مفهوم واژگان، کم و بیش از سیاق متن استخراج می‌شود، اما در ترجمه متون تخصصی، مهم پیش‌زمینه ذهن خواننده نسبت به موضوع است که اهمیت دارد.

زبان، همواره آینه فرهنگ و تاریخ هر ملتی بوده و این دو متأثر از هم‌اند. زبان یک پدیده فرهنگی است، به‌طور مثال، وجود واژه «Unkraut» در زبان آلمانی به معنی «علف هرز»، گویای طرز تفکر و فرهنگ مردم آلمان نسبت به طبیعت است؛ چنان‌که اگر زبانی را فاقد این لغت فرض کنیم، به احتمال نگاهشان به آن، مبتنی بر مفید بودن این گیاه و دارا بودن ارزش غذایی برای حیوانات دیگر است. در مثالی دیگر، وجود واژگانی نظیر «عاشورا»، «امامت»، «خمس» و... در زبان فارسی گویای آن است که اساس فرهنگی مردم ایران، به شدت رنگ و بوی مذهب آنان را دارد. بنابراین از طریق تحلیل زبان، می‌توان به دیدگاه‌های فرهنگی جوامع بشری پی برد. به نظر شلاپرماخر، از آنجایی که هر زبانی، ریختار منحصر به فرد خود را دارد، نزدیک کردن افکار نویسنده متن و خواننده ترجمه به یکدیگر به سختی امکان‌پذیر می‌شود، بنابراین تنها توجه به این اصل، لازم و کافی‌ست که ترجمه، در خواننده همان احساساتی را برانگیزد و تأثیراتی را بگذارد که متن اصلی بر خوانندگان خود داشته است. ترجمه عنوان نیز به نوبه خود روند بسیار دشواری است؛ بسیار پیش می‌آید که به علت وابستگی شدیدتر عنوان به فرهنگ، یک تیتیر جذاب، به تیتیری خنثی، معمولی و حتی گیج‌کننده ترجمه می‌شود (نورد ۳). این روش مقایسه کردن و سنجش معادل بودن یا نبودن عبارات، پایه نقد ترجمه محسوب می‌شود و چه بهتر آن‌که در پس این مقایسه، پیشنهادهای اصلاحی نیز در اختیار خواننده قرار گیرد.

تاریخچه ترجمه متون مذهبی - اسلامی به زبان آلمانی

اولین ترجمه قرآن در اروپا به زبان لاتین، توسط روبرت فون کتون (Robert von Ketton) و هرمان فون کارینتیا (Hermann von Carinthia) صورت گرفت و تئودور بیبلیاندر (Theodor Bibliander) آن را به سال ۱۵۴۳ میلادی در سوییس منتشر کرد. با این‌که این ترجمه بسیار آزاد و محتوامحور بود، در آینده الگوی ترجمه‌های بعدی قرار گرفت. اولین ترجمه قرآن به زبان آلمانی را سالومون شوایگر (Salomon Schweiggern) در سال ۱۶۱۶ در نورنبرگ به چاپ رسانید. از دیدگاه ادبی و هنری ترجمه هامر پورگشتال (Josef Hammer-

Purgstall) از قرآن کریم، به خاطر برگردان لحن آهنگین آیه‌ها دارای اهمیت است. بدین ترتیب تاکنون هر ترجمه‌ای از قرآن، بنا به شاخصه‌های متأثر از شرایط زمانی خود، بارز شده است.^۱ «عادل تئودور خوری» (Adel Theodor Khoury) متولد سال ۱۹۳۰، فعال در زمینه گفت‌گویی بین ادیان و مترجم لبنانی‌الأصل قرآن کریم به زبان آلمانی است. وی با انتقاد از ترجمه‌های قرآن کریم به زبان آلمانی که آکنده از اصطلاحات قدیمی است، مهمترین ویژگی و اصلی‌ترین زحمت ترجمه خود از قرآن را استفاده از اصطلاحات جدید و معاصر با تمسک به تفاسیر برجسته عالمان مسلمان می‌داند.^۲

در قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی، چندین اثر اسلامی از فارسی به آلمانی ترجمه شد. هاینریش فلایشر (Leberecht Fleischer Heinrich) خاورشناس معروف قرن ۱۹، در کنار رشته الهیات، به زبان‌های شرقی نیز مسط بود. مشهورترین اثر وی ترجمه کتاب صد حدیث از امام علی (ع) (Alis hundert Sprüche) به زبان آلمانی است که اندکی پس از انقلاب اسلامی، به عنوان نخستین کتاب آلمانی با مضمون دینی در ایران منتشر شد.^۳ گرچه قرآن کریم و در مواردی دیدگاه‌های فلسفی درباره آن و روش‌های فراگیری قرائت قرآن تاکنون مهم‌ترین شاخه ترجمه در زمینه متون اسلامی بوده است، اما در طول زمان، آثار و منابع دیگری مانند نهج البلاغه، دعا‌های گوناگون (عرفه، کمیل، ماه رمضان...) و یا نوشته‌هایی از شخصیت‌ها و متفکرین اسلامی، نیز در دست ترجمه قرار گرفته‌اند. تا سال ۲۰۰۳ مهم‌ترین ترجمه‌های اسلامی به زبان آلمانی، دربرگیرنده موضوعات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی بوده‌اند. آثار آیت‌الله طباطبایی و شهید مطهری و دیگر نویسندگان زمینه‌های آیینی اسلام، اصول، جهان‌بینی و نیز کمال انسانی ترجمه شده‌اند. اخلاق از منظر اسلام و رابطه انسان و اجتماع، اصلی‌ترین مباحث پرداختی دکتر شریعتی است که برخی از آن‌ها به زبان آلمانی ترجمه شده‌اند. نگاهی تاریخی به زندگانی پیامبران و امامان، مبانی مکتب تشیع و نقش سیاسی - اجتماعی امامان، موضوعاتی‌اند که شهید مطهری، آیت‌الله بهشتی و مهدی آذریزدی با هدف نشر دین اسلام و علوم اسلامی در سطح بین‌الملل بدان‌ها پرداخته‌اند که این آثار نیز به زبان آلمانی ترجمه شده‌اند. جایگاه زن در اسلام و اصول تربیت فرزند که اغلب آیت‌الله امینی به آن‌ها پرداخته نیز از جمله موضوعات مذهبی دیگری‌ست که در ایران به آلمانی ترجمه شده‌اند.

۱- برگرفته از <http://de.wikipedia.org/wiki/Koran%C3%BCbersetzung> (21. 01. 2012)

۲- برگرفته از <http://www.cthq.ir/newsite/index> (Stand: 22.02.2012)

۳- برگرفته از سایت http://www.eslam.de/begriffe/f/fleischer_heinrich_leberecht.htm (۱۵،۱۱،۲۰۱۱)

در جریان تحولات پس از انقلاب ایران، موج عظیمی از ترجمه کتاب‌های امام خمینی (ره) به زبان آلمانی پدید آمد که در صدر آن‌ها مسئله فلسطین، صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی به سایر ملت‌ها، حکومت اسلامی، اصل ولایت فقیه و در نهایت وصیت‌نامه الهی - سیاسی امام خمینی (ره) قرار داشت. پس از رحلت ایشان، مؤسسه راه اسلامی در دلمزهورست، کتاب‌های متعددی از آیت‌الله خامنه‌ای، از جمله استفتانات و خطبه‌های وی در نمازهای جمعه را در دستور کار مترجمان قرار داد. تبادلات دین اسلام با سایر ادیان و بازتاب صدای اسلام در اروپا، پایه تحقیقاتی قرار گرفت که ضمن آشنایی عمیق‌تر مسلمانان با تصورات ارزشی غرب، سبب افزایش روابط میان‌فرهنگی و میان‌مذهبی این دو گردید. عبدالجواد فلاطوری و سید مجتبی موسوی لاری، دو نویسنده نام‌آشنا در اروپا بودند که آثارشان بیش‌تر چنین محتوایی داشته و در این سال‌ها به آلمانی ترجمه شده‌اند. از مهم‌ترین نویسندگان دیگری که آثار آن‌ها بین سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۳ با درون‌مایه دینی به آلمانی ترجمه و به چاپ رسیده‌اند، عبارتند از: آیت‌الله محمدباقر صدر «شیعه»، مجید رشیدپور «برخورد صحیح با کودکان از دیدگاه اسلام»، آیت‌الله مصباح یزدی «شخصیت و اخلاق از منظر اسلام»، محسن قرائتی «حج»، علی محمد نقوی «اسلام و ناسیونالیسم»، آیت‌الله مکارم شیرازی «معاد»، محمد مقدم «جهاد، نه جنگ مقدس»، مجتهد شبستری «نماز» و ابو عبدالله الزنجانی «تاریخچه قرآن کریم».

مطرح‌ترین مترجمانی که در زمینه ترجمه متون اسلامی از فارسی به آلمانی فعالیت داشته یا دارند، عبارتند از: آنه‌ماری شیمل، سمیه کمالیان، آنه‌ماری مرعشی، عبدالجواد فلاطوری، سوسن صفاوردی و نیما محرابی. واقعیت این است که اکثر ترجمه‌هایی که در گذشته صورت گرفته، از عربی به آلمانی بوده است که در مورد منابع اصلی مانند قرآن و کتاب‌های حدیث، منطقی‌تر و به‌اصل نیز نزدیک‌تر نیز به نظر می‌رسند، چراکه زبان عربی سالیان سال، زبان علم در ایران بوده است. برخی از آثار نیز ابتدا از فارسی به انگلیسی و سپس به آلمانی برگردانده شده‌اند مانند «اسلام و فرهنگ غرب» نوشته سید مجتبی موسوی لاری.

مجموعه سازمان‌هایی که امروز در داخل ایران، به عنوان منتشرکننده آثار اسلامی به زبان آلمانی فعالیت می‌کنند، عبارتند از: مجمع جهانی اهل بیت، انتشارات الهدی، انتشارات انصاریان، مؤسسه فرهنگی امام خمینی، مرکز نشر معارف اسلامی در جهان و سازمان فرهنگی نبأ. از بخش‌ها یا سازمان‌هایی که در کشورهای آلمانی‌زبان به ترجمه آثار اسلامی می‌پردازند،

می‌توان از بخش فرهنگی سفارت ایران در برلین^۱، مؤسسه فرهنگ اسلامی^۲، آکادمی اسلامی در آلمان^۳، مرکز فرهنگ و علوم اسلامی در اتریش^۴، راه اسلامی^۵، مرکز اسلامی هامبورگ^۶ و مرکز اسلامی امام مهدی در مونستر^۷ نام برد.

ویژگی‌های ترجمه متون اسلامی و بررسی راهکارهای آن

به طور کلی در ترجمه متون مذهبی، به علت ساختارهای متفاوت دو زبان و دو خاستگاه مذهبی، وجود ناهمگونی‌هایی میان متن مبدأ و مقصد طبیعی است. تحقیقات به عمل آمده توسط متخصصانی چون نیدا و چامسکی که مدت‌ها برای بنانهادن پایه‌های علمی در ترجمه انجیل کوشیدند، نشان می‌دهد که این متون، ترجمه‌پذیرند و بر اساس روش‌های علمی - ارتباطی، ترجمه، تنها قالب را تغییر می‌دهد و نه محتوا را؛ به بیان دیگر، ترجمه باید هم‌تراز باشد و نه همسان. اصل «مذهب» هم در میان مردم ملل مختلف، پدیده‌ای مشترک با مضمونی کم و بیش همانند، اما این آداب، رسوم ملی، کلیشه‌ها و سنت‌های اجتماعی متفاوت‌اند که ترجمه را دشوار می‌سازند. (شتولسه، ۱۹۹۹، ۹۳). از این نظر انتظار می‌رود که یک مترجم فعال در زمینه متون مذهبی نیز آگاهی‌های مبسوط و دقیقی در زمینه‌های جامعه خود، دین، اعتقادات و جهان‌بینی داشته باشد. ترجمه واحد لوتر از انجیل، در جامعه پروتستان آلمانی زبان، بیش‌ترین کاربرد را دارد و به طور کلی زبان دینی، زبان خاصی است که به عقیده شتولسه، ویژگی‌های زیر را داراست، البته وی آن‌ها را در رابطه با مسیحیت ذکر می‌کند:

الف - یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های زبان دینی، قلبی بودن و در عین حال فصاحت (شیوایی) آن است. ترجمه آسان و روان به منظور همه‌فهم‌بودن، نباید به از دست رفتن ویژگی‌های منحصربه‌فرد نثر دینی منجر شود. در این نوع از ترجمه، آسانی و غنای متن (برای مثال در دعا) به یک اندازه مهم‌اند.

1- Kulturabteilung der Botschaft der IRI

2- Institut für islamische Bildung (iib)

3- Islamische Akademie Deutschland (iad)

4- Islamisches Bildungs- und Kulturzentrum Österreich (ikuz)

5- Islamischer Weg (iw)

6- Islamisches Zentrum Hamburg (izh)

7- Islamisches Zentrum (Imam Mahdi-Zentrum) in Münster - Fatime Versammlung (izm)

ب- متون مذهبی سرشار از واژگان تخصصی‌اند که مفاهیم انتزاعی را آن‌هم اغلب به صورت دوپهلوی منعکس می‌کنند.

ج- متون مذهبی، به زمان وابسته‌اند، بدین معنی که هر دوره‌ای زبان دینی مخصوص به خود را در حیطه گفتار و نوشتار دارد و این امر سبب می‌شود که گاهی با تغییرات اساسی در یک نظام زبانی، مردمان یک کشور، در فهم گنج‌های کهن ملت خود نیز (ادبی، تاریخی، دینی...) ناتوان بمانند. به طور کلی برای دریافت هر پیامی، استفاده از زبان یا سبک زنده و پویا ضروری‌ست (همان ۲۰۰-۱۹۴).

چنانچه گفته شد اصلی‌ترین مشکلی که مترجم در ترجمه متون اسلامی، به ویژه قرآن کریم به زبان‌های اروپایی پیش‌رو دارد، از سابقه فرهنگی دو زبان نشأت می‌گیرد؛ بدین معنا که نقش مذهب در فرهنگ قرون وسطایی اروپا، پس از دوره رنسانس و ظهور سکولاریسم، رو به افول گذاشته و بنابراین در ترجمه زبان‌های با مذهب عجین‌شده عربی یا فارسی به زبان‌های سکولار اروپایی، کمبود اصطلاحات و مفاهیم دینی به وضوح احساس می‌شود.^۱ از سوی دیگر تفاوتی که میان متون مذهبی و دیگر متون در ترجمه وجود دارد، همان است که پیام متون مذهبی، نباید در مسیر تأویل‌ها و تطبیق‌های ناخودآگاه مترجم، آسیب ببیند. اما ترجمه متون اسلامی حتی قرآن که ترجمه‌اش به زبان‌های اروپایی از قرن ۱۱ تا ۱۸ میلادی تکامل یافته، هم از تأثیرات سوء گرایش‌های مغرضانه در امان نمانده است، چراکه اغلب توسط کشیش‌ها و خاورشناسان اروپایی به قصد رد مبانی اسلام صورت می‌گرفت. برای مثال در ترجمه قرآن متعلق به فرقه قادیانیه، مترجم ضمن یک مقدمه ۱۶۰ صفحه‌ای، برای پدرش که مؤسس این فرقه بوده است، تبلیغ و با نقد شدید و اغراق‌آمیز ادیان دیگر، عقاید خرافی خود را تشریح می‌کند. این‌گونه استفاده‌های ابزاری مترجم از متن مقصد، با ایجاد بی‌اعتمادی در مخاطب، کیفیت، بی‌طرفی و دقت ترجمه را زیر سؤال می‌برد (حدادی و نارنجی ۹۲). ترجمه آلمانی دیگری از قرآن کریم که به عنوان دومین ترجمه آلمانی، سال ۱۳۸۲ در ایران از سوی انتشارات جاجرمی منتشر شد،^۲ در واقع، بازچاپ ترجمه‌ای قدیمی از قرآن به زبان آلمانی به شمار می‌رود، اما نام مترجم در روی جلد و درون کتاب، خانم زیگرت یمینی (شولتس) ذکر شده است. کار وی در اصل بازنگری در ترجمه قدیمی دیگری از لودویگ اولمان (۱۸۰۴-۱۸۴۲)،

۱- علی‌قلی قرایی، مترجم قرآن به زبان انگلیسی. برگرفته از <http://www.cthq.ir/newsite/index> (۱۳۹۱/۱/۱۶).

۲- نخستین آن، ترجمه آلمانی رودی پارت (درگذشته ۱۹۸۲) بود که انتشارات انصاریان بارها آن را در قم منتشر کرد.

یک یهودی سیاستمدار و غیرمتخصص در رشته اسلام‌شناسی بوده که این ترجمه حاوی اشتباهاتی حتی در رابطه با فهم ابتدایی از صرف و نحو عربی است. به نظر می‌رسد لودویگ اولمان، اسلام را از فرقه تازه تأسیس احمدیه و تبلیغات آن‌ها در اروپا می‌شناخته است، چراکه به طور مثال در شماره‌گذاری آیات، از شماره‌گذاری قرآن احمدیه پیروی می‌کند و حتی در مقدمه خود، اشاعه و تبلیغ اسلام امروز را به وسیله فرقه احمدیه می‌داند. بخش اعظم این خطاها و نواقص ترجمه اولمان، به ترجمه خانم یمینی (شولتس) نیز راه یافته و در ترجمه جدید نیز به همان شکل دیده می‌شود.^۱ اهمیت ترجمه‌ای پسندیده از قرآن، به جهت دشواری آن بدین ترتیب روشن می‌شود که بدانیم از دیدگاه الهیات اسلامی، در هر ترجمه‌ای از قرآن، اندکی تفسیر به رأی اجتناب‌ناپذیر است و بنابراین همواره استفاده از متن مقدس اصلی به زبان عربی توصیه می‌شود.

کتاب تعالیم اسلام تألیف علامه طباطبایی، در سال ۲۰۰۶ با عنوان «Das ABC des Islam» و کتاب داستان‌هایی از زندگانی چهارده معصوم تألیف مهدی آذریزدی با عنوان «Gute Geschichten» به زبان آلمانی ترجمه و منتشر شدند. در این قسمت، نویسنده این جستار با استخراج ده‌ها واژگان و عبارات دینی از این کتاب‌ها و مقایسه معادل‌های آن‌ها، به تجزیه و تحلیل هریک پرداخته و ضمن مقایسه عبارت مبدأ و مقصد و هم‌چنین ارزیابی ترجمه صورت‌گرفته برای مخاطب آلمانی زبان، پیشنهادهای اصلاحی و یا تکمیلی ارائه می‌نماید. برای جلوگیری از پراکندگی و گسترده‌گی بیش از حد در کار، تنها رویکرد شیعی واژگان اسلامی مورد بحث بوده و اکثر اطلاعات ارائه شده در این پژوهش درباره الهیات مسیحی نیز طی مصاحبه‌ای با خانم بیرکن‌شتوک کُل (Almut Birkenstock-Koll)، کشیش کلیسای پروتستان در تهران به دست آمده است.^۲ همان‌طور که گفته شد، در ترجمه متون اسلامی از فارسی به آلمانی، مترجم در اکثر موارد در نوعی بن‌بست معادل‌یابی (حالت یک به صفر) قرار گرفته و ناچار به پذیرش مستقیم واژه مبدأ می‌شود. بدین معنا که واژه را به همان گونه که در فارسی تلفظ می‌شود، با خط لاتین به آلمانی برمی‌گرداند و در این صورت، عبارت، برای خواننده هم‌چنان بیگانه باقی می‌ماند. بدیهی‌ست که اگر ترجمه، انباشته‌ای از این قبیل واژگان بیگانه شود، گنگ و غیر قابل درک خواهد بود، از این‌رو مترجم باید به هنگام ضرورت از به‌کارگیری

۱- برگرفته از <http://www.cthq.ir/newsite/index> (۱۳۹۱/۱/۱۶)

۲- جهت کسب اطلاعات بیش‌تر رجوع کنید به www.bibelonline.de

این روش، برای هر عبارت، توضیحات تفهیمی را به آن بیافزاید، تا خواننده متن آلمانی تا حد ممکن به معنی یک واژه اسلامی بهتر و آسان‌تر پی ببرد. به دلیل بسامد بالای این‌گونه واژگان، این موضوع در کشور ما تبدیل به معضلی بزرگ در ترجمه متون اسلامی شده است. به‌منظور روشن شدن مطلب به نمونه‌هایی از این نوع ترجمه از کتاب *تعالیم اسلام*، اثر علامه طباطبایی اشاره می‌شود که مترجم در ترجمه واژگان اسلامی، واژه جدیدی به عنوان برابر نهاد برای توضیح بیش‌تر ارائه نمی‌دهد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که برای درک آسان‌تر لغات دینی، همانند مثال‌های زیر، برای هر واژه توضیحاتی در پاورقی داده شود:

فارسی: عالم برزخ آلمانی: "Barzah" Die Welt (جهان برزخ) (طباطبایی ۲۰۰۸: ۲۰۷)

دو واژه «Fegefeuer/Purgatorium» در مسیحیت، به‌مکانی میان بهشت و جهنم اطلاق می‌شود. طبق الهیات کاتولیکی، آن‌جا را جایگاه مجرمین بزرگ مانند قاتلین می‌دانند که بلافاصله پس از مرگ، و پیش از ورود به جهنم به آن‌جا می‌روند. سایر انسان‌ها پس از مرگ به این مکان وارد و پس از پاک‌شدن از گناهانشان، به بهشت داخل می‌شوند. مدت‌زمان حضور افراد در این مکان، به عدد گناهانشان کوتاه یا طولانی خواهد بود. از دیدگاه اسلام، تمام انسان‌ها پس از مرگ به برزخ وارد شده، آنان نیز تاوان گناهان خود را پس داده و پاک می‌شوند تا روز قیامت فرا رسد.

با وجود تفاوت‌های اندکی که میان این دو مفهوم وجود دارد، معادل‌قراردادن این دو، قابل قبول به نظر می‌رسد و نیازی به برگردان مستقیم نیست. به نظر می‌رسد جستجوی تخصصی در دین مسیحیت مبنی بر وجود یا عدم وجود واژگان و مضامین مشابه، در ترجمه الزامی است.

فارسی: رساله‌های عملیه آلمانی:

Weitere bzw. ausführliche Informationen sind **die renommierten "Ressalehs"**

zu entnehmen. (همان ۳۱۹)

این برگردان مستقیم، بدون توضیح اضافی، ترجمه‌ای گویا به‌نظر نمی‌رسد و ناشی از سهل‌انگاری مترجم در یافتن واژه‌ای با محتوای به نسبت یکسان در فرهنگ مقصد است. در دین اسلام، هر عالم دینی که درجه معینی از علم، عدالت و تقوا را احراز کرده باشد، برای سایر مسلمانانی که وی را برترین بدانند، مرجعی برای پیروی در تکالیف شرعی‌شان محسوب می‌شود. مراجع، کتابی به نام *رساله حاوی تفاسیر و احکام اسلامی*، منتشر کرده و در دسترس مقلدان خود قرار می‌دهند. در دین مسیحیت عبارتی وجود دارد که گرچه تفاوت‌های اندکی با

رساله دارد اما معادل معقولی برای این واژه به نظر می‌رسد.

پیشنهاد: *Katechismus* (کتاب آموزشی تعالیم مسیحیت که در قالب سؤال و جواب تنظیم شده است).

فارسی: عفت آلمانی:

Zudem zeichnet sich ein Prophet durch hervorragende ethische Eigenschaften

(همان ۸۷) aus wie **Reinheit**, Tapferkeit, Edelsinn, ...

مترجم، در این ترجمه دچار شتابزدگی شده است. از آنجایی که حیا و نجابت، در فرهنگ مسیحی نیز واژگانی تعریف شده‌اند، به جای کلمه «پاکی» که در حیطه‌های دیگر نیز عمومیت دارد (واژه پاکی، اعم از عفت است)، می‌توان همان‌ها را به کار برد.

پیشنهاد: *Tugendhafte Keuschheit*

فارسی: طواف واجب آلمانی:

Es gibt sechs Gebete, zu denen der Muslime verpflichtet ist: die täglichen

Pflichtsgebete, [...], **Tawaf um die Kaba herum**- hinter dem Male Abraham-...

(طواف به دور کعبه) (همان ۲۹۶)

در این عبارت، نخست آن‌که واژه «واجب» ترجمه نشده است، دوم، به جای برگردان مستقیم کلمه طواف که درکی در مخاطب به وجود نمی‌آورد، می‌توان «دور... گردیدن» را به کار برد. گرچه این واژه، به تنهایی بار دینی ندارد، اما قرار گرفتن در ترکیب، به‌طور دقیق مفهوم طواف خانه خدا را به ذهن می‌رساند. به نظر می‌رسد مترجم به ریشه زبانی (عربی) این لغت توجه نکرده‌اند.

پیشنهاد: *Pflichtentsprechendes Umkreisen um die Kaba herum* (دور کعبه

گردیدن)

فارسی: پیامبران اولوالعزم آلمانی:

Sie werden als "**Große Propheten**" bezeichnet. (پیامبران بزرگ) (همان ۸۸)

«بزرگ» معادل مناسبی برای کلمه مبدأ نیست و مترجم دچار سهل‌انگاری در ترجمه شده است. «اولوالعزم» به پنج پیامبر اعظم (نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد (ص)) اطلاق

۱- دور کعبه گردیدن: طواف، یکی از مراسم عبادی مسلمانان است که مسلمان متمتع پس از حضور در مکه در روزهای ویژه، با پوشش ویژه به دور خانه کعبه می‌گردد و خانه خدا را زیارت می‌کند. «نویسنده»

می‌شود که شریعت مجزا داشته‌اند.

پیشنهاد: Fünf hochrangige Propheten mit eigenständiger Offenbarung (پنج پیامبر بزرگ جایگاه)

فارسی: فطرت/دین فطری آلمانی:

Er erinnert an Dinge, die dem menschlichen Urwesen bekannt und
offenkundig sind, ... (اصل وجود انسانی) (همان ۱۳۶)

دین مسیحیت نیز مشابه دین اسلام معتقد است که تمامی انسان‌ها در ابتدا پاک و بی‌گناه بوده‌اند. جمله مشهور انجیل «در هر انسان، خدایی نهفته است» به همین ذات الهی بشر اشاره دارد و می‌توان به جای ترجمه گنگ بالا، که ناشی از عدم دریافت محتوای مذهبی لغت توسط مترجم است، قرینه‌هایی معادل، در دین مسیحیت یافت که درک آن برای مخاطب آلمانی زبان آسان‌تر است.

پیشنهاد: فطرت: Gottes Ebenbild دین فطری:

Religion, die die göttliche ursprüngliche Zuneigung allen Menschen entspricht.

(دینی که از تمایل الهی انسان‌ها نشأت می‌گیرد)

فارسی: موالات آلمانی:

Gebetsregeln: [...] 11. Mawalat. Mit anderen Worten, das Gebet ohne

Unterbrechung zu verrichten. (نماز را بدون شکستن بجا آوردن) (همان ۳۰۷)

چنانچه گفته شد، مترجم پیش از آن‌که شتابزده به یافتن برابری در زبان مقصد بیندیشد، بایستی معنی دقیق لغت مبدأ را دریابد که در اینجا، این امر به دلیل نبود زمینه ذهنی در مترجم محقق نشده است. موالات در نماز ربطی به شکستن یا قطع کردن ندارد و به این معنی است که اجزای نماز باید پشت سرهم و بدون وقفه انجام شوند. مشکل اصلی ترجمه این لغت، نادرست‌اندیشی مترجم در مفاهیم دینی اسلام است.

پیشنهاد: Verbundenheit der Gebetsteile (اتصال اجزای نماز به یکدیگر)

فارسی: نماز میت آلمانی:

Das Totengebet am Leichnam eines der imame a.s. zu sprechen, oblag dessen

Nachfolger. (نماز مردگان) (همان ۳۶۴)

به جای واژه «نماز مردگان» که برای مخاطب آلمانی زبان گنگ و بی‌معنی بوده و نشانگر بی‌توجهی مترجم به پیش‌زمینه ذهن مخاطب در دریافت محتوای واژه مذهبی است، می‌توان از

سنت دینی و فرهنگ مسیحی ایشان در ارتباط با درگذشتگان بهره جست؛ بدین ترتیب که آنان نیز برای فرد تازه درگذشته، مراسمی قابل قیاس با فرهنگ اسلامی به جا می‌آورند و طی آن متن مشخصی را برای وی قرائت می‌کنند.^۱ مشکل ترجمه فوق، ناآگاهی در ریشه دینی این واژه ارزیابی می‌شود.

پیشنهاد: Rituelles islamisches Aussegensgebet (نماز/دعا برای درگذشتگان در دین اسلام)

فارسی: طهارت آلمانی:

Erforderlich zum Gebet sind: 1. **Entsprechende Gebetsreinigung, Reinheit**

von Körper und Kleidung, 2. ... (همان ۲۹۶)

مفهوم فقهی «طهارت»، پاک بودن معنوی منظور است^۲ که شرایط خاصی را با توجه به احکام اسلامی بیان می‌کند. تمیزی بدن و لباس، گرچه مستحب و پسندیده است، اما به تن داشتن لباسی حتی کتیف، به شرط آن که «پاک» باشد، نماز را باطل نمی‌کند. پس این ترجمه، مفهوم عمده «طهارت» را دربر نمی‌گیرد و مواجهه مترجم با یک مشکل فرهنگی - مذهبی را به ذهن متبادر می‌کند. بنابراین بهتر است عباراتی نظیر «نجس»، «پاک»، «طهارت»، «حلال»، «حرام» و «مکروه» که هیچ ریشه و قرابت ذهنی با تفکر مسیحی ندارند، مستقیم به زبان مقصد برگردانده شده و در پاورقی توضیح داده شوند. در مسیحیت، اصل بر این است که تمام پدیده‌ها، چون آفریده خداوندند و خداوند، چیزی جز خوبی خلق نمی‌کند، پس تمام آن چه که هست، پاک و نیکوست و از این جهت، تفکیکی میان ذات اشیاء یا پدیده‌ها وجود ندارد. مشکل ترجمه فوق، عدم دقت در ریشه دینی واژه «طهارت» ارزیابی می‌شود.

نتیجه

جایگاه مهم ترجمه در علم ارتباط‌محور جهان امروز، انکارناشدنی است. برای دستیابی به کلیدواژه «معادل» در ترجمه، مترجم باید از درپیش‌گرفتن روند صورت‌محوری و یا ترجمه‌های سطحی پرهیز کرده و سبک و سیاق مطلب را به عنوان واحد ترجمه قلمداد کند. تاریخچه ترجمه متون اسلامی به زبان آلمانی به قرن ۱۶ میلادی بازمی‌گردد که با ترجمه قرآن

1- "... Der Herr segne deinen Eingang und deinen Ausgang!"

۲- طهارت به معنی پاک شدن از نجاسات است. با این یادآوری که برخی متجنس‌ها، پاک ناشدنی‌اند، حتی با کاربرد مطهرات. بنابراین جز در عرفان، طهارت مفهوم پاک بودن معنوی را ندارد. «نویسنده»

کریم شروع شد. در ترجمه متون مذهبی، برقراری تعادل میان فهم آسان ترجمه و در عین حال حفظ فصاحت و شیوایی متن مبدأ اهمیت زیادی دارد و هیچ یک از این دو ویژگی متون مذهبی نباید بخاطر دیگری مخدوش گردد. گرچه ترجمه امری نسبی بوده و به طور اساسی ترجمه مطلقاً صحیحی وجود ندارد، اما هرچه آگاهی، خلاقیت و استعداد هنری مترجم بیشتر باشد، تفاوت اجتناب‌ناپذیر میان محتوای متن مبدأ و متن مقصد، کمتر خواهد بود.

عمده‌ترین مشکلی که مترجم، در متون مذهبی - اسلامی از فارسی به آلمانی از جمله هلا کمالیان در ترجمه آثار تعالیم اسلام و داستان‌هایی از زندگانی چهاده معصوم با آن روبروست، عدم وجود معادل به دلیل عمق شکاف فرهنگی - مذهبی میان این دوست. در ترجمه‌های فارسی به آلمانی که تاکنون در این زمینه در کشور ما صورت گرفته است، ضعف جدی دیده دیده می‌شود، چرا که متن مبدأ با جهان‌بینی و فضای اعتقادی اسلام تولید شده و ترجمه آن به زبان آلمانی، مورد مطالعه و استفاده خواننده‌ای قرار خواهد گرفت که پیش‌فرض مذهبی او تعالیم مسیحیت است. از میان راه‌حلی‌هایی که برای رفع کاستی‌های ترجمه وجود دارد، در «معادلیابی یک به یک»، باید تمام جوانب واژه‌های آیینی را در نظر گرفت و نزدیک‌ترین معادل ممکن را ارائه کرد. در «معادل یک به چند» باید چند لغت ممکن را تشریح کرد تا مخاطب آلمانی، به تفاوت‌های معنایی آنان توجه کند. نقل مستقیم واژه، به عنوان آخرین برگردان، ناشی از ناچاری است. در غیر این صورت، مترجم موظف است ضمن جستجوی تخصصی در دین (تعالیم) مسیحیت، برابری‌های نزدیک یا به نسبت نزدیک را استخراج کرده و معادل را در کنار توضیحات تکمیلی، برای درک بهتر مخاطب آلمانی‌زبان بیاورد. در مجموع، عمده‌ترین مشکلی که مترجم در ترجمه دو اثر مورد بحث این مقاله با آن روبروست، عدم توجه کافی به ریشه زبانی و دینی واژگان اسلامی است. در برخی موارد، همان‌گونه که در مثال‌ها آمده است، ممکن است لغتی اسلامی، در مسیحیت نیز ریشه همسانی داشته باشد، که در یافتن نزدیک‌ترین معادل باید بدان توجه ویژه کرد.

در رابطه با ترجمه متون اسلامی از فارسی به آلمانی در ایران، به دلیل مشکلات فراوانی که در این زمینه وجود دارد، چشم‌انداز چندان موفقی متصور نیست. از جمله این مشکلات فقدان یک لغت‌نامه مرجع واژگان اسلامی است که وجود آن بسیار ضروری است. به همین دلیل مترجمان متون دینی هر کدام به طور سلیقه‌ای ترجمه می‌کنند و هیچ رویه واحدی برای ترجمه این نوع از متون وجود ندارد. در نتیجه، ضرورت ایجاد سازمان یا مرکزی منسجم که بطور انحصاری به ترجمه متون اسلامی بپردازد، بیش از پیش احساس می‌شود. از طرفی دیگر،

سایت‌های اینترنتی موجود در این زمینه در ایران، هم کم تعدادند و هم در اکثر موارد فقط به ترجمه آثار مذهبی می‌پردازند و کمتر به مشکلات ترجمه متون اسلامی توجه می‌شود. با توجه به مجموعه این مشکلات، کتاب‌های کمی در زمینه متون اسلامی در پنجاه سال اخیر در ایران از فارسی به آلمانی ترجمه شده‌اند. این روند کند ترجمه متون اسلامی، به طور قطع با تألیف لغت‌نامه‌ای بزرگ و جامع در این زمینه و توجه ویژه مؤسسات آموزش عالی کشور به این معضل، اصلاح خواهد شد.

Bibliography

- Azaryazdi, Mehdi. (1934). *Gute Geschichten (good stories)*, übersetzt von Hella S. Kamalian. Teheran: Sazman-Tabligat-Islami.
- Badiei, Seyed Hadi. (2010). *Untersuchung der amtlich beglaubigten Übersetzung von Institutionsbezeichnungen (Study of officially certified translation of institutional designations)*. Magisterarbeit an Teheran-Universität, Teheran.
- Haddadi, Mahmud. (2005). *Mabani Targomeh (Principles of Translation)*. Teheran: Rahnama.
- Haddadi, Mohammad Hossein & Narenji, Farah. (2009). *Naghdo barresiye tarjomeye almaniye Qoran (Review translation of Quran)*. Scientific Publication of the Faculty of Foreign Languages and Literatures, University of Tehran, No 55, p 87-99.
- Lüsebrink, Hans-Jürgen. (2005). *Interkulturelle Kommunikation, Interaktion, Fremdwahrnehmung, Kulturtransfer (intercultural communication, interaction, strange perception, cultural transfer)*. Weimar: Verlag J. B. Metzler Stuttgart.
- Nord, Christiane. (1993). *Einführung in das funktionale Übersetzen, am Beispiel von Titeln und Überschriften (introduction translated into the functional, using the example of titles and headings)*. Tübingen und Basel: Francke Verlag.
- Stolze, Radegundis. (1999). *Die Fachübersetzung, eine Einführung (the professional translation, a launch)*. Tübingen: Gunter Narr Verlag.
- . (2001). *Übersetzungstheorien, eine Einführung (Theories of translation, an introduction)*. Tübingen: Gunter Narr Verlag.
- Tabatabayi, Seyyed Mohammad Hossein. (2008). *Ta'alime Islam (Islam Teachings)*. Qom: Markaze Chap wa Nashre dafter tablighate Eslami Hose Elmije Ghom.
- Tabatabayi, Seyyed Mohammad Hossein. (2006). *Das ABC des Islam (The ABC's of Islam)*, übersetzt von H. S. Kamalian, Hrsg. von International Publishing Co., 2. Auflage, Teheran: Sazmane Tablighate Islami.

Digitale Quellen:

Duden - Deutsches Universalwörterbuch, 5. Aufl. Mannheim 2003 [CD-ROM].

Wikipedia: Mehrdeutigkeit. In: URL: <http://de.wikipedia.org/wiki/Mehrdeutigkeit> (Stand: 03.12.2011)

Wikipedia: Koranübersetzung. In: URL: <http://de.wikipedia.org/wiki/Koran%C3%BCbersetzung>. (Stand: 21.01.2012)

Wikipedia: Nuance. In: URL: <http://de.wikipedia.org/wiki/Nuance> (Stand: 30.02.2012)

http://www.eslam.de/begriffe/f/fleischer_heinrich_leberecht.htm

<http://www.eslam.de/begriffe/q/quran-uebersetzungen.htm>

<http://www.koransuren.de>

http://w3.ufsm.br/revistalettras/artigos_r2/revista2_10.pdf

http://www.bibel-online.net/text/luther_1912/1_mose/11/

<http://www.cthq.ir/newsite/index. ?>